



**رازگشایی از قتل
نوعروس که قربانی
سوءظن همسرش
شده بود، خاطره یکی
از کارآگاهان جنایی
تهران است**

قتل؛ پایان شک به همسران

سال‌ها قبل بود که متهمی همراه پرونده‌اش از یکی از شهرستان‌ها به تهران انتقال داده شد. متهم منکر جنایت بود و از من خواستند برای تحقیقات روی پرونده، با متهم صحبت کنم. ابتدا سراغ پرونده حشمت رفتم؛ متهم جوانی که سه بار ازدواج کرده بود. دو همسر اولش از او جدا شده بودند و همسر سومش که ۲۵ ساله بود، با شلیک گلوله کشته شده بود.

سوءظن‌های سریالی

مهرنوش، همسر سوم حشمت دختری روستایی بود که با پیشنهاد ازدواج مردی شهری به دنبال زندگی رویایی به مرد جوان پاسخ مثبت داده بود. بدون تحقیق و غافل از این‌که دو همسر سابق حشمت بی دلیل از او جدا نشده بودند.

مهرنوش از همان روز اول و زمانی که پا در خانه حشمت گذاشت با رفتار عجیب او مواجه شد. حشمت سوءظن شدیدی به او داشت و هر بار به بهانه‌ای زن جوان را زیر بار کتک می‌گرفت. یک روز می‌گفت تو بدون اجازه من بیرون رفته‌ای و برای اثبات حرفش به نخی اشاره می‌کرد که به عنوان نشان بین در خروجی گذاشته بود. چنانچه در باز می‌شد نخ به زمین می‌افتاد و مشخص می‌شد کسی بیرون رفته است. ظاهراً آن روز هم نخ به زمین افتاده بود و همین مسئله مدرکی برای اثبات بیرون رفتن مهرنوش و خیانت او به همسر شهری‌اش بود.

مراقبت‌های شبانه‌روزی

با این‌که مرد جوان از همسرش خواسته بود تخت را به در خروجی بچسباند تا نیمه‌شب از خانه خارج نشود؛ چرا که تصور می‌کرد پسر همسایه به مهرنوش نظر دارد. توهم‌های حشمت تمامی نداشت، او حتی داخل خانه دوربین کار گذاشته بود و همسرش را زیر نظر داشت.

مهرنوش که از رفتارهای پراز شک و توهم حشمت به تنگ آمده بود ناچار از او می‌خواهد مادرش را به خانه بیاورد. قرار بر آن می‌شود زمان‌هایی که حشمت در خانه نیست، مادر حشمت به خانه بیاید و مراقب همسرش باشد. حشمت اما به مادرش نیز مشکوک بود و وقت و

بی‌وقت به خانه زنگ می‌زد و از مادر می‌خواست گوشی تلفن را به مهرنوش بدهد. او گاهی بدون هماهنگی و زودتر از موعد محل کارش را ترک می‌کرد و به خانه می‌آمد تا مطمئن شود همسرش در خانه است.

جسدی در کنار تختخواب

سوءظن‌ها و رفتارهای پراز توهم حشمت ادامه داشت تا این‌که یک سال پس از ازدواج، صدای شلیک گلوله از خانه حشمت به گوش می‌رسد. لحظاتی بعد نیز مادر حشمت داد و فریاد کنان وارد خیابان می‌شود و از مرد کمک می‌خواهد.

اهالی محل به محض ورود به خانه با جسد عروس جوان مواجه می‌شوند. تیم جنایی شهرستان مورد نظر وارد عمل می‌شوند.

با حضور تیم جنایی در محل، آنها با جسد زن جوان در حالی که چمباتمه زده بود و بین تختخواب و دیوار قرار داشت، مواجه شدند. سلاحی روی تخت و در فاصله یک و نیم متری جسد قرار داشت. تیر به گونه سمت راست زن جوان اصابت کرده و مرگ او را رقم زده بود. حشمت در تحقیقات اولیه مدعی شده بود: مهرنوش خودکشی کرد. او مشکلات روحی داشت و چند بار گفته بود این کار را انجام می‌دهد. در نهایت هم به زندگی‌اش پایان داد.

قتل یا خودکشی؟

اما مدارک و شواهدی در صحنه به دست آمد که نشان می‌داد زن جوان خودکشی نکرده است. کارشناسان اسلحه‌شناسی روی دست مهرنوش آثاری از باروت به دست نیاوردند. اگر او خودکشی کرده بود بی‌شک رد باروت باید روی دستش دیده می‌شد.

از سوی دیگر موقعیت تیری که به صورت مهرنوش اصابت کرده بود و محل قرار گرفتن سلاح، شک ما را بیشتر کرد. اگر زن جوان خودکشی کرده بود، باید سلاح نیز در سمتی قرار داشت که تیر شلیک شده بود.

در تحقیقات صورت گرفته، مشخص شد گرچه حشمت فردی معقول و منطقی به نظر می‌آید اما با همسرش اختلاف شدید داشته و به او شکاک بوده است. همین

مسئله احتمال قتل را پررنگ کرده بود.

بعد از مطالعه پرونده سراغ حشمت رفتم و تحقیقات از او را آغاز کردم. حشمت مردی با قد و اندامی متوسط، رفتاری کاملاً معمولی و آرام داشت. انگار از این‌که در شهری غریب زندانی است، گله و شکایتی نداشت. او گفت: اطلاعات حقوقی‌ام خوب است و بیشتر زندانی‌ها با من مشورت می‌کنند. برایشان عریضه می‌نویسم و راهنمایی‌هایی هم به آنها می‌کنم.

انکار قتل

از روز حادثه پرسیدم و حشمت جواب داد: قرار بود آن روز بعد از ظهر به روستا برویم و گوجه بچینیم. از سر کار که به خانه برگشتم، دیگر ماشین را به داخل خانه نیاوردم که مهرنوش آماده شود و باهم به روستا برویم. وارد خانه که شدم، مهرنوش را دیدم که ناراحت و دلخور است. مادرم مهمان دعوت کرده بود و مهرنوش ناراحت بود که چرا این کار را کرده است. دلخور از این‌که مادرم می‌دانسته ما قصد رفتن به روستا را داریم و با این حال مهمان دعوت کرده است. می‌گفت می‌شد به مهمان گفت چند شب دیگر بیاید و سفرمان را خراب نکنند. او یکدفعه به اتاق رفت و از داخل کمد سلاح را برداشت و به خودش شلیک کرد.

حکم قصاص

بعد از تحقیق از حشمت به محل جنایت رفتم و با بررسی زاویه تیراندازی، محل قرار گرفتن جسد و مدارکی را که در صحنه به دست آمده بود، این احتمال به یقین تبدیل شد که حشمت دست به قتل زده است. حشمت در دادگاه پای میز محاکمه رفت و به دفاع از خود پرداخت. گرچه مدعی بود جنایتی مرتکب نشده اما با توجه به مدارک ارائه شده در پرونده، حکم بر قصاص صادر شد. اولیای دم رضایت دادند و با بخشیده شدن حشمت، او از جنبه عمومی جرم برای بار دوم محاکمه شد. بی‌شک تا به حال دوران محکومیت حشمت به پایان رسیده و او آزاد شده است اما موضوعی که مطرح است این‌که آیا حشمت در این دوران از نظر روانی نیز درمان شده است؟



مدارک و شواهدی در
صحنه به دست آمد که
نشان می‌داد زن جوان
خودکشی نکرده است.
کارشناسان
اسلحه‌شناسی روی
دست مهرنوش
آثاری از باروت به
دست نیاوردند. اگر
او خودکشی کرده بود
بی‌شک رد باروت باید
روی دستش دیده
می‌شد

